

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۶

صص ۲۲-۴۹

## بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی - اداری کشور

مطالعه موردی: استانهای ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸)

دکتر زهرا احمدی پور\* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

حسین مختاری هشی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - دانشیار جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

نرگیس وزین - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۰/۲۰

### چکیده

امروزه نیاز به برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه در کشور امری بدیهی است، چرا که توسعه بدون برنامه منجر به توسعه ناموزون بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی و همچنین تشدید عدم تعادل منطقه‌ای و در نتیجه آسیب‌پذیری و تضعیف وحدت ملی می‌شود. در واقع برنامه‌ریزی ابزاری است که همه فعالان در جامعه و از جمله حکومتها بوسیله آن سعی می‌کنند روند توسعه را بصورت هدایت شده مدیریت نمایند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به ضرورت‌های توسعه‌ی کشور و غلبه بر نابسامانی‌های موجود آمده پس از جنگ تحمیلی، اولین برنامه ۵ ساله توسعه در سال ۱۳۶۸ به مورد اجرا گذاشته شد و به دنبال آن دو برنامه توسعه دیگر نیز تدوین و اجرا شدند، در حال حاضر نیز برنامه چهارم توسعه در حال اجرا می‌باشد. علی‌رغم اجرای سه برنامه توسعه، وجود مناطق محروم و توسعه‌نیافته در کشور این سوال مطرح می‌کند که آیا شتاب توسعه که عبارتست از «میزان تغییر درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور در سال پایانی برنامه توسعه نسبت به سال ابتدای همان برنامه» برای همه استانها در هر یک از برنامه‌های توسعه از روند مثبتی برخوردار بوده است؟ مقاله حاضر با شیوه توصیفی-تحلیلی و به صورت اسنادی در پی یافتن پاسخ این سوال است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که با اجرای هر یک از سه برنامه توسعه، درجه شتاب توسعه‌یافتگی همه استانهای کشور به یک میزان نبوده است.

واژه‌های کلیدی: شتاب توسعه، برنامه‌های پنجساله توسعه، ایران.

## ۱- مقدمه

حکومتها از گذشته‌های دور در تحولات اجتماعی و اقتصادی جوامع نقش زیادی ایفا کرده‌اند، این نقش بویژه از زمان پیدایش نارساییهایی در مکانیسم بازار آزاد و وقوع بحران بزرگ ۱۹۲۹-۱۹۳۰ و همچنین ظهور نقطه نظرات اقتصادی "کینز" در زمینه ضرورت دخالت دولت در امور اقتصادی پر رنگ‌تر شده است، بعد از جنگ جهانی دوم وجود مسائلی مانند ویرانی‌های گسترده، شرایط نامساعد کشورهای تازه استقلال یافته، شکاف عمیق بین فقیر و غنی و تمایل عمومی برای ایجاد رفاه و آبادانی، ضرورت مباحث توسعه در اغلب کشورها را مطرح کرد. بنابراین حکومتها در راستای غلبه بر این مشکلات از طریق سیاستگذاری، اجرا، نظارت، گسترش زیرساختها و سرمایه‌گذاری اقدام به هدایت روند توسعه بعنوان جریانی چند بعدی که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۱۵) کردند. ارتباط تنگاتنگ میان واژه‌های توسعه و برنامه‌ریزی بیانگر این واقعیت است که برای دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف آن برنامه‌ریزی از ضروریات غیر قابل انکار می‌باشد. برنامه‌ریزی توسعه یکی از ابزارهایی است که حکومتها با توسل به آن سعی می‌کنند روند توسعه را بصورت کنترل شده مدیریت نمایند و از بروز عدم تعادلها در کشور جلوگیری کنند، چرا که همه بخش‌های یک کشور از نظر توزیع منابع و امکانات یکسان نیست و این امر موجب می‌شود تا بخش‌های با قابلیت بالا بیشتر جمعیت و فعالیتها را به زیان مناطق کم‌بازده به خود جذب کنند که در درازمدت هم بخش‌های مستعد کشور به دلیل تراکم شدید فعالیت و جمعیت، و هم بخش‌های کم‌بازده به دلیل عدم وجود فعالیت و جمعیت کافی، تعادل خود را از دست می‌دهند. توسعه بدون برنامه سبب توسعه ناموزون بخشهای اقتصادی و همچنین تشدید عدم تعادل منطقه‌ای و در نتیجه آسیب‌پذیری و تضعیف وحدت ملی خواهد شد. افزایش سطح توسعه کشور از بعد ژئوپلیتیکی نیز اهمیت دارد، چرا که بالا رفتن وزن ژئوپلیتیکی و منزلت کشور در نظام بین‌المللی را به دنبال دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۰). از طرف دیگر توسعه زیرساختهای کشور مثل ارتباطات و... موجب سهولت اعمال حاکمیت حکومت بر تمام مناطق کشور شده و کارایی حکومت را افزایش می‌دهد. برنامه‌ریزی‌های توسعه می‌توانند در راستای به تعادل در آوردن کشور موثر واقع

شوند. از اینرو حکومت، بعنوان ساختار سیاسی سازمان‌دهنده محیط جغرافیایی (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۹۹) برای مقابله با مسائل ناشی از توسعه‌نیافتگی و غلبه بر آن برنامه‌ریزی توسعه را مورد توجه قرار می‌دهد و با تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه سعی می‌کند تغییر و تحول برنامه‌ریزی شده‌ای را در کشور به مورد اجرا بگذارد.

در ایران آغاز اندیشه برنامه‌ریزی در خصوص حل مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور مربوط به سال ۱۳۱۶ و تأسیس شورای اقتصاد می‌باشد که با اشغال ایران در جنگ جهانی دوم این روند متوقف شد تا اینکه اولین برنامه رسمی در ایران در قالب برنامه عمرانی هفت ساله در سال ۱۳۲۷ شروع شد و مقارن با آن سازمان برنامه و بودجه برای تدوین برنامه‌ها شکل گرفت. تا پیروزی انقلاب اسلامی ۵ برنامه عمرانی به اجرا گذاشته شد و در اثنای برنامه ششم عمرانی انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و اجرای برنامه ششم معلق گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دهه اول انقلاب به دلیل مشکلات ناشی از جنگ کشور فاقد برنامه توسعه بود.

از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل سوم، پی‌ریزی اقتصادی صحیح، عادلانه و طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های مختلف را از وظایف حکومت برشمرده بود و همچنین در اصل چهل و هشتم نیز تصریح کرده است که «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.» لذا برای تحقق این اهداف و دستیابی کشور به توسعه اولین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ۵ ساله جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۸-۱۳۷۲ در قالب برنامه ۵ ساله اجرا شد و پس از آن نیز برنامه دوم (۱۳۷۳-۱۳۷۸) و برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) برای کشور تدوین و به مرحله اجرا گذاشته شد، جدول شماره ۱ اهداف عمده این برنامه‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه پس از اجرای این برنامه‌ها هنوز شاهد وجود مناطق توسعه نیافته و توسعه نامتوازن در کشور می‌باشیم، هدف مقاله حاضر مطالعه میزان شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور که عبارت از میزان تغییر درجه توسعه‌یافتگی استانها در سال پایانی برنامه‌ها نسبت به سال ابتدای برنامه‌های توسعه است، می‌باشد. بدین منظور با شیوه

توصیفی-تحلیلی و به صورت اسنادی این سوال مورد ارزیابی قرار گرفته است: آیا با اجرای هر یک از برنامه‌های توسعه، شتاب توسعه‌یافتگی در همه استانهای کشور از روند مثبت برخوردار بوده است یا خیر؟

جدول شماره ۱: اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور

اهداف	اهداف برنامه
<p>- بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی و تامین نیازهای ضروری آن بر مبنای اهداف دفاعی تعیین شده؛</p> <p>- بازسازی و نوسازی ظرفیتهای تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت دیده در طول جنگ تحمیلی در چهارچوب اولویت‌های برنامه؛</p> <p>- ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تاکید بر خود کفائی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم؛</p> <p>- تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم و تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی؛</p> <p>- تعیین و اصلاح الگوی مصرف در جهت تعیین نیازهای انسان و جامعه در جریان رشد و تکامل مادی و معنوی با حفظ کرامت و آزادی انسان؛</p> <p>- سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت متناسب با مزیت‌های نسبی در هر منطقه (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۸: ۲۵).</p>	<p>برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸)</p>
<p>- رشد و توسعه پایدار اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی؛</p> <p>- تربیت نیروی انسانی مورد نیاز؛</p> <p>- تلاش در جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت و توسعه بیش از پیش صادرات غیر نفتی؛</p> <p>- تلاش در جهت حاکمیت کامل قانون و حفظ امنیت همه جانبه آحاد مردم و ترویج فرهنگ احترام به قانون، نظم اجتماعی و وجدان کاری؛</p> <p>- نظام دهی و به کارگیری تحقیقات به عنوان ابزاری برای حل مشکلات و توسعه کشور؛</p> <p>- ایجاد تعادل در بخشهای اقتصادی تعاونی، خصوصی و دولتی (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۵: ۱۳-۱۴).</p>	<p>برنامه دوم (۷۸-۷۲)</p>
<p>- عمران شهری و توسعه روستایی؛</p> <p>- امور دفاعی و امنیتی؛</p> <p>- سیاستهای زیست محیطی؛</p> <p>- نظام درآمد-هزینه استانی؛</p> <p>- سیاستهای اشتغال (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹).</p>	<p>برنامه سوم (۸۳-۷۸)</p>

## ۲- مبانی نظری

### عدم تعادل منطقه‌ای در کشور و تبعات آن

به رغم تلاشهایی که پس از انقلاب اسلامی در جهت رفع محرومیت از مناطق کمتر توسعه یافته انجام شده است، گستره‌ای از کشور که شامل حوزه‌های مهمی همچون مناطق و نواحی مرزی می‌باشد، به دلایلی از قبیل انزوای جغرافیایی، ناهماهنگی‌ها،

ناامنی‌های ناشی از جنگ تحمیلی و عوامل محدود کننده امنیت سرمایه‌گذاری از چرخه توسعه بازمانده‌اند و علی‌رغم وجود قابلیت‌های فراوان، شاخص‌های توسعه در آنها در سطح مطلوبی نیست (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۱). شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فضایی حاکی از آن است که ایران دارای ساختار فضایی مرکز-پیرامون هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی است. در سطح کلان ملی، بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامون، از توسعه‌یافتگی بیشتر و درجه‌ی دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است. این نسبت در مناطقی از حاشیه که از حیث متغیرها و نیروهای ژرف با بخش مرکزی نامتجانس‌اند، به کمترین میزان می‌رسد؛ این نابرابری شائبه وجود تبعیض در سیاست و اقدامات اجرایی دولت مرکزی را تقویت و اعتماد بخش حاشیه را از بخش مرکزی و دولت مرکزی سلب می‌کند و پتانسیل واگرایی را در این مناطق افزایش می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۶-۱۸۷). برخی مطالعات انجام شده عدم تعادل و شکاف نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور را حتی بیشتر از ۱۰ برابر دانسته و اعلام می‌کنند که در توسعه کشور الگوی مرکز-پیرامون حاکمیت شدیدی دارد، بطوری که بیشتر شهرستانهای عقب‌مانده در نواحی حاشیه‌ای و مرزی کشور و در مناطق کوهستانی واقع شده‌اند (کلانتری، ۱۳۷۷: ۱۹۳). عدم تعادل منطقه‌ای آثار و عواقب زیانبار فراوانی برای کشور به دنبال دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: افزایش فرایند تمرکزگرایی، افزایش بسترهای نارضایتی‌های اقتصادی-اجتماعی، ادامه روند مهاجرت و حاشیه‌نشینی، افزایش فرایند واگرایی و مرکزگرایی در مناطق مختلف، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، گسستگی پیوند ارگانیک بین بخشهای مختلف اقتصادی و مناطق مختلف کشور، افزایش تخریب محیط زیست و فشارهای اکولوژیکی بویژه در اثر رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ، عدم بهبودی در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه برخی از بخشهای کشور.

### توسعه

مفهوم واژه توسعه یک روند تکاملی دارد، در دهه ۱۹۵۰ گذار از رشد اقتصادی پایین به رشد اقتصادی بالا، توسعه قلمداد می‌شد، در دهه ۱۹۶۰، ابعاد اقتصادی توسعه مورد توجه قرار

گرفت و توسعه را معادل توسعه اقتصادی در نظر می‌گرفتند. در این دهه اصولاً مفهوم عام توسعه در معنای توسعه اقتصادی به کار می‌رفت و به همین دلیل بر شاخص‌های کمی مثل افزایش تولید ملی و درآمد ملی و رشد جمعیت شهرنشین استوار بود. از دهه ۱۹۶۰ به بعد تغییرات اساسی در نحوه نگرش به مفهوم توسعه و شاخص‌های آن به ظهور رسید و مفاهیمی مانند کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی و عدالت اجتماعی و... که نفوذ و تأثیر آنها همچنان رو به گسترش است رواج یافت. در شرایط کنونی در کنار شاخص‌های اقتصادی توسعه، دو گروه از شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه جایگاه محوری پیدا کرده‌اند (مهدیزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۵). نگرش تک‌بعدی به توسعه که علی‌رغم دستیابی به نرخ‌های رشد اقتصادی بالا، شکافهای اساسی در جوامع بشری بوجود آورده بود، باعث شد در مفهوم توسعه تجدید نظر صورت گرفته و توسعه به عنوان یک مفهوم چند بُعدی مدنظر قرار گیرد. بنابراین پس از دهه ۱۹۷۰ نگرش ساختاری به مفهوم توسعه مدنظر قرار گرفت و توسعه به مثابه ابزاری برای تعادل بخشیدن و آشتی میان نظام اکولوژیکی با نظام اقتصادی-اجتماعی شد و چنین مفهومی برای تحقق عمل، راهبرد نخستین دولتها در برنامه‌های توسعه قرار گرفت. در چنین نگرشی، حمایت‌های محیطی با هدف رفاه جمعی و زندگی شرافتمندانه که توأم با آزادی و تصمیم‌گیری برای آینده محیط زندگی است، با معیارهایی چون امنیت ملی، کامیابی اقتصادی و عدالت اجتماعی و مکانی مورد توجه قرار گرفت (براهمن، ۱۳۸۰: ح). توسعه علاوه بر ازدیاد کمی ثروت جامعه از تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز حکایت می‌کند (ازکیا، ۱۳۷۸: ۶). توسعه فرایندی جامع از فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدفش بهبود مداوم زندگی تمامی جمعیت بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت مناسب و توزیع عادلانه منافع از ارکان اساسی آن بشمار می‌آید (پرداز می‌مقدم، ۱۳۸۴: ۱۳).

### توسعه پایدار

تا پیش از ۱۹۷۰م توسعه امری صرفاً اقتصادی و مساوی با رشد تولید ملی تلقی می‌شد و شاخص رشد تولید ناخالص ملی عمده‌ترین شاخص توسعه بحساب می‌آمد. بیشتر کشورها در شرق و غرب همه همت خود را صرف دستیابی به بیشترین رشد در کمترین زمان می‌کردند. بدین ترتیب مسابقه رشد رواج پیدا کرد و با وجود اینکه در این مسابقه کشورهای متعددی به

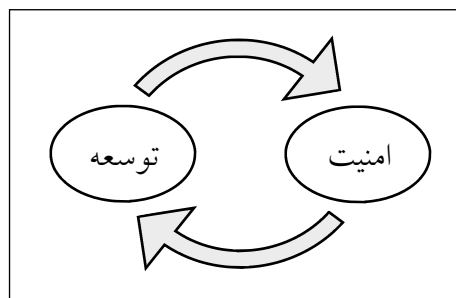
نرخ‌های بالایی از رشد دست پیدا کردند ولی بیکاری، فقر، نابرابری از بین نرفت و محیط زیست و منابع طبیعی آسیب دیدند. در خلال دهه ۷۰ قرن بیستم و پس از آن بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توسعه تأکید کردند و بر این باور بودند که توسعه اقتصادی نیز تنها در رشد تولید ملی خلاصه نمی‌شود و باید توزیع منافع حاصل از رشد را در کانون توجه خود قرار دهد (Graaf & et al, 1999: 58) و این احساس که توسعه نیازمند پایداری است و نباید تنها شامل اقتصاد و فعالیت‌های اجتماعی باشد، بلکه باید جمعیت، استفاده از منابع طبیعی و لحاظ کردن آثار توسعه در محیط زیست را نیز در برگیرد، (الیوت، ۱۳۷۸: ۸) به وجود آمد و تا جایی پیش رفت که اکنون به گفته "ولفگانگ زاکس" از این پس توسعه بدون پایداری و پایداری بدون توسعه وجود نخواهد داشت (بهرامزاده، ۱۳۸۳: ۲). توسعه پایدار مفهومی است که قابلیت در بر گرفتن عمیق‌ترین مفاهیمی همچون عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و... را دارد. توسعه پایدار در واقع همه زوایای زندگی انسان امروزی و نسل‌های آینده را در بر می‌گیرد (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۶۸). کمیسیون برانت‌لند<sup>۱</sup> توسعه پایدار را چنین تعریف می‌کند: توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای فعلی جامعه را بدون به خطر انداختن امکانات و توانایی‌های نسل‌های آتی برای رفع نیازهای خود، برطرف می‌کند. این تعریف جنبه‌ای از توسعه را مد نظر قرار می‌دهد که متمایز از رشد بوده و تمرکز اصلی آن بر بهینه ساختن روابط، شرایط و ایجاد برابری است. این ایده نشان دهنده این مفهوم است که پیشرفت، بهبود و اصلاح شرایط را باید با هم هماهنگ ساخت و ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی را توأمان مورد توجه قرار داد (پرداززی مقدم، ۱۳۸۴: ۴۴).

### توسعه ملی و امنیت ملی

توسعه ملی فرایند توسعه همه جانبه‌ای است که ابعاد گوناگون توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اکولوژیکی و ارتباطات متقابل آنها را در بر می‌گیرد، به گونه‌ای که هر کدام از ابعاد این فرایند در ارتباط مستمر با ابعاد دیگر قرار دارند و کنش و واکنش و تأثیر و تأثر متقابل یکدیگر را کامل و یک پیکره واحدی به نام توسعه ملی را پدید می‌آورند. توسعه ملی

<sup>۱</sup> - Brundt Land Commission

باید بتواند کیفیت زندگی را بصورت نسبتاً هماهنگ و موزون در مناطق مختلف بهبود بخشد و از تمام ظرفیت‌های منطقه‌ای و محلی اعم از امکانات طبیعی و نیروی فکری و انسانی استفاده کند ( نظریور، ۱۳۷۸: ۵۰). هانتینگتون درباره‌ی زمینه اثرات متقابل عدم وجود توسعه سیاسی و اقتصادی می‌گوید: جای هیچ تردید نیست که میان خشونت و عقب افتادگی اقتصادی رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد. فقر بالای حال هرگونه حکومت است و فقر عامل ناپایداری و ناستواری و بی‌ثباتی است و به هیچ وجه نمی‌گذارد دموکراسی که در امر توسعه شدیداً مورد نیاز است، در جامعه استقرار یابد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۱۷). توسعه ملی و امنیت دارای ارتباطات متقابل می‌باشند، از یکسو توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می‌انجامد و از سوی دیگر فراهم آمدن امنیت ملی، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می‌آورد (شکل ۱).



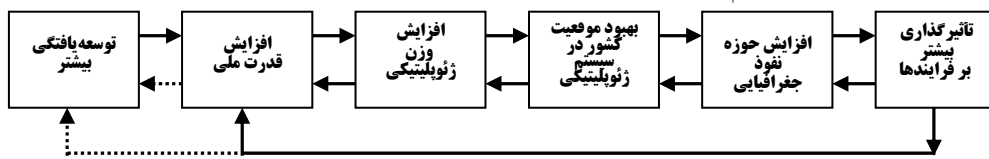
شکل ۱: روابط متقابل توسعه و امنیت

وجود بی‌عدالتی‌های جغرافیایی و توسعه نامتوازن بخشهای جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب همبستگی و وحدت ملی شده و منجر به بروز تحرکات واگرایانه بویژه در مناطق قومی شود. که این مسئله تأثیر سوئی بر قدرت ملی دارد، بنابراین تأمین امنیت ملی کشور در گرو رفع تهدیدات داخلی و خارجی می‌باشد.

با توجه به اینکه عواملی نظیر سطح فرهنگی، وضعیت اقتصادی، رفاه اجتماعی و ثبات سیاسی با سطح توسعه‌یافتگی رابطه‌ی مستقیمی دارند و نقش این عوامل در میزان قدرت ملی زیاد است، بنابراین توسعه‌یافتگی کشور، قدرت ملی را افزایش می‌دهد، افزایش قدرت ملی منجر به افزایش وزن ژئوپلیتیکی می‌شود، افزایش وزن ژئوپلیتیکی بهبود موقعیت کشور در سیستم ژئوپلیتیکی را به دنبال دارد، بهبود موقعیت کشور در سیستم ژئوپلیتیکی موجب گسترش حوزه



نفوذ جغرافیایی کشور شده و در نهایت موجب افزایش اثرگذاری کشور بر فرایندها، تصمیم‌سازیها و رفتارها در مقیاسهای مختلف محلی، همسایگی، منطقه‌ای و جهانی می‌شود. این مسئله بصورت تسلسل‌وار به افزایش مجدد قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی کشور کمک می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۱۰). مدل شماره ۱ تأثیر سطح توسعه‌یافتگی بر میزان تأثیرگذاری کشور در نظام ژئوپلیتیک را نشان می‌دهد.



مدل شماره ۱: تأثیر سطح توسعه‌یافتگی بر میزان تأثیرگذاری کشور در نظام ژئوپلیتیک

### برنامه‌ریزی توسعه ملی

برنامه‌ریزی در مفهوم امروزی خود، به عنوان یک دانش کاربردی در اواخر قرن نوزدهم پدید آمد و در سراسر قرن بیستم، در ابعاد مختلف بسط و تحول پیدا کرد. با گذشت حدود یکصد و پنجاه سال از آغاز انقلاب صنعتی، شرایط ذهنی و عینی برخی جوامع ایجاب نمود برای دستیابی به آرمانهای ملی و حل مشکلات گسترده فرا راه پیشرفتهای اقتصادی و تأمین رفاه اجتماعی، به برنامه‌ریزی در سطح کشور روی آورند. اتحاد جماهیر شوروی، در پی انقلاب ۱۹۱۷ نخستین کشوری بود که برنامه‌ریزی نظام یافته اقتصادی را بکار گرفت و انگاره «اقتصاد با برنامه» را بوجود آورد (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۷). «برنامه‌ریزی به عنوان یک فعالیت عمومی عبارت است از انجام یک رشته عملیات منظم که در راستای دستیابی به یک هدف یا اهداف معین تدوین می‌شود» (Hall, 1994: 12). برنامه‌ریزی توسعه ملی عبارت است از اقدام دولتی آگاهانه برای هماهنگ کردن تصمیم‌گیری در بلند مدت و تأثیرگذاری، هدایت و در برخی موارد حتی کنترل سطح و رشد متغیرهایی نظیر درآمد، مصرف، اشتغال، سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، صادرات، واردات و... برای دستیابی به مجموعه اهداف از پیش تعیین شده توسعه در کشور (Todaro, 1994:564).

### سنجش توسعه‌یافتگی مناطق و ویژگیهای شاخص‌های آن

تحولاتی که در سیر تاریخ تعاریف توسعه، به توسعه پایدار انسانی منتهی شده و منجر به مشارکت همه گروه‌های اجتماعی و مناطق در فرایند توسعه ملی شده است، دگرگونی‌هایی را در ارائه شاخص‌های مناسب جهت سنجش سطح توسعه مناطق بوجود آورده است. سنجش سطح توسعه مناطق از یک سو با ارائه تصویری از وضع موجود توسعه مناطق، امکان برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای را براساس نقاط ضعف و کمبودهای هر منطقه فراهم می‌نماید و از طرف دیگر، با سنجش مداوم آن طی یک روند، می‌توان به ارزیابی میزان موفقیت سیاست‌گذاریهای توسعه منطقه‌ای و برنامه‌ریزیهای توسعه در هر منطقه پرداخت. برخی ویژگیهای ضروری که برای شاخص‌های توسعه تعریف شده است، تا این شاخص‌ها بهتر بتوانند معرف واقعیتهای موجود باشند، به این شرح می‌باشند: ۱- قابلیت نمایش مسیر و جهت حرکت، ۲- توان نمایش تغییرات در طول زمان، ۳- قابلیت اندازه‌گیری ارزش شاخص‌ها، ۴- قابلیت دستیابی به داده‌ها، ۵- برخورداری از دیدی کل‌نگر، ۶- برخورداری از افق زمانی و مکانی مناسب، ۷- برخورداری از بیانی ساده و شفاف، ۸- قابلیت ارزیابی مکرر، ۹- دقت و صحت زیاد، ۱۰- ثبات در گذر زمان، ۱۱- قابلیت مقایسه در بین مناطق مختلف، ۱۲- مرتبط بودن با جامعه مورد مطالعه (پردازش مقدم، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۴).

### ۳- روش تحقیق

این مقاله به صورت اسنادی و با شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور در دوره زمانی سه برنامه اول، دوم و سوم توسعه نموده است. شاخص‌های مورد بررسی شامل ۱۷ شاخص می‌باشد که در دو گروه اقتصادی- زیربنایی و اجتماعی- فرهنگی به شرح زیر می‌باشند. لازم به ذکر است که در این بررسی سعی شد از شاخص‌هایی استفاده شود که آمار و اطلاعات مربوط به آنها در طول هر سه برنامه موجود بود.

#### الف) شاخص‌های اقتصادی- زیر بنایی

- ۱- درصد شاغلین بخش صنعت(ساخت)؛ ۲- تعداد کارکنان کارگاههای دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۳- تعداد کارگاههای دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر؛ ۴- تعداد شاغلان استخراج معدن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۵- تعداد مشترکین برق به

ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۶- تعداد انشعاب گاز به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۷- تعداد انشعاب آب به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۸- تعداد خطوط تلفن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۹- طول راههای تحت حوزه وزارت راه در هر ۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت.

#### ب) شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی

۱- تعداد بیمه شدگان تأمین اجتماعی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۲- نرخ سواد جمعیت ۶ ساله و بیشتر؛ ۳- نرخ سواد زنان؛ ۴- سرانه پزشک به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت؛ ۵- سرانه تخت بیمارستان برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت؛ ۶- تعداد کتابخانه وابسته به وزارت ارشاد؛ ۷- سرانه تخت اقامتی به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت؛ ۸- تعداد خانه بهداشت به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت.

ارقام خام شاخص‌ها پس از استخراج از سالنامه‌های آماری، سرشماریها، گزارشات سازمانهای مختلف استانی و کشوری، با استفاده از نرم افزار Excel به سرانه تبدیل شدند، سپس برای محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استانها در طول هر یک از برنامه‌ها از مدل تاکسونومی عددی استفاده شد، در نهایت ضمن مقایسه نتایج درجه توسعه‌یافتگی استانها در مقاطع ابتدا و انتهای هر برنامه نتایج آن بصورت نمودار بیان شد. همچنین با استفاده از نرم‌افزار GIS شتاب توسعه‌یافتگی استانها در هر برنامه بر روی نقشه کشور نشان داده شد.

#### ۴- یافته‌های تحقیق

##### شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور در طول برنامه ۵ ساله اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸)

به منظور محاسبه شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور در طول برنامه اول، ابتدا درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور در سال ۱۳۶۸ (سال آغاز برنامه اول) و سال ۱۳۷۲ (سال پایان برنامه اول) با استفاده از مدل تاکسونومی عددی محاسبه شده است. نتایج محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استانها برای سال ۱۳۶۸ در جدول شماره ۲ و سال ۱۳۷۲ در جدول شماره ۳ به همراه شاخص‌های مورد استفاده آورده شده است.

جدول شماره ۲: درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور در ابتدای برنامه اول توسعه (۱۳۶۸)\*

درجه توسعه‌یافتگی	اجتماعی - فرهنگی										اقتصادی - زیربنایی										گروه	شاخص استان
	تعداد خانه بهداشت به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	سره تخت اقامتی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد کتابخانه (وزارت ارشاد)	سره تخت بیمارستان برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	سره تخت پزشک به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	ترخ سواد زنان	ترخ سواد جمعیت ۶ ساله و بیشتر	تعداد نیمه شبگان تامین اجتماعی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	طول راههای تحت حوزه وزارت راه در هر ۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت	تعداد خطوط تلفن	در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد اشتغال این	در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد اشتغال کار	در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد مشغولین برون	در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد شاغلان استخراج معدن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد کارگاههای دارای (تفر کارکن و بیشتر)	تعداد کارکنان کارگاههای دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت		
۰.۶۹۸	۰.۸۳	۲.۵	۳۵	۱.۴	۲.۳	۳۹.۱	۵۲.۲	۳۶.۳	۶.۸	۳۰.۹	۷۴.۹	۱.۷	۱۷۰.۶	۰.۱۲	۳۵۳	۵.۸	۱۳.۲۹	آذربایجان شرقی				
۰.۸۰۲	۲.۴	۳.۳	۱۶	۱.۱	۲.۲	۳۴.۳	۴۷	۲۳.۳	۷.۷	۲۶.۳	۱۲۶.۳	۰	۱۵۳.۵	۰.۰۵	۱۳۰	۲.۷	۷.۰۷	آذربایجان غربی				
۰.۴۳۹	۱.۲	۶.۱	۴۸	۱.۸	۴.۴	۶۲.۷	۷۱	۶۳.۶	۳.۱	۴۳.۴	۱۶۸.۵	۴۷.۹	۲۱۸.۲	۰.۶۸	۶۵۰	۲۱.۹	۲۴.۴۸	اصفهان				
۰.۸۷۸	۲.۹	۲.۱	۶	۱.۱	۳.۲	۴۰	۵۲.۶	۲۴.۵	۴.۳	۱۹.۷	۷۷.۵	۰	۱۲۷.۷	۰.۱۲	۵	۰.۴۲	۳.۲۱	ایلام				
۰.۷۸۴	۲.۸	۴.۷	۹	۰.۸۴	۲.۷	۵۰.۶	۶۱.۱	۵۶.۱	۵.۲	۳۶.۷	۷۴.۹	۰	۱۶۲.۷	۰.۲۵	۱۴	۰.۸۵	۴.۳۴	بوشهر				
۰.۳۳۵	۰.۳۲	۱۰.۱	۲۱	۳	۶.۱	۷۲.۴	۷۸.۳	۱۰۷.۱	۵.۴	۷۳.۹	۶۵.۷	۲۰.۳	۲۴۴.۷	۰.۱۴	۲۲۵۶	۲۴.۹	۲۰.۲۳	تهران				
۰.۷۳۵	۲.۹	۱.۳	۱۶	۰.۹۸	۳.۳	۴۴.۳	۵۷	۳۸	۹.۵	۳۵.۹	۷۹.۴	۰	۲۷۲.۱	۰.۳۵	۸۶	۰.۸۸	۷.۶۲	چهارمحال و بختیاری				
۰.۶۳۵	۱.۴	۱۱.۷	۵۷	۱.۴	۱.۷	۴۷	۵۶.۴	۳۶.۸	۱.۹	۲۶.۷	۴۰.۴	۳۴.۱	۱۷۳.۸	۰.۳۵	۴۱۷	۴.۶۱	۱۵.۶۲	خراسان				
۰.۶۶۹	۱.۱	۳.۸	۲۳	۱.۵	۲.۳	۴۸.۶	۵۹.۲	۷۷.۶	۹.۹	۲۹.۷	۱۰۵.۳	۲۸.۵	۱۹۸.۹	۰.۰۶	۱۲۱	۱۰.۱	۷.۹۹	خوزستان				
۰.۶۸۸	۱.۹	۱.۶	۱۴	۰.۷۷	۲.۳	۴۶.۴	۵۷.۸	۶۱	۷.۵	۲۴.۳	۴۰.۳	۳.۳	۱۵۰.۳	۰.۶۶	۲۳۸	۲۵.۸	۱۴.۸۴	زنجان				
۰.۶۶۶	۳.۲	۵.۸	۱۵	۱.۷	۴.۷	۶۳.۲	۷۰.۵	۸۴.۲	۱.۵	۵۷.۳	۱۲۵.۸	۸.۸	۲۵۵.۹	۸.۴	۷۸	۱۴.۲	۹.۷۴	سمنان				
۰.۸۸۴	۲.۷	۴.۵	۱۰	۱.۲	۲.۹	۲۵.۳	۳۶	۴۳.۳	۲.۲	۲۳.۳	۵۱.۱	۰	۱۲۰.۴	۰.۰۴	۳۷	۰.۷۶	۴.۳۲	سیستان و بلوچستان				
۰.۶۵۵	۱.۳	۴.۸	۳۱	۱.۴	۲.۳	۵۶.۳	۶۵.۷	۳۷.۲	۴.۱	۳۳.۱	۹۹.۷	۳۳.۳	۱۷۴.۹	۰.۳۵	۲۴۲	۶.۱	۸.۴۱	فارس				
۰.۸۹۷	۲.۹	۲.۷	۱۰	۰.۸۷	۱.۴	۲۳.۲	۳۹.۲	۲۰.۹	۶.۹	۲۱.۹	۱۱۸.۵	۰	۹۲.۴	۰.۴۲	۴۹	۱.۰۳	۴.۵۶	کردستان				
۰.۷۰۲	۳.۱	۳.۱	۲۳	۱.۷	۲.۹	۵۱.۵	۵۸.۸	۵۳.۱	۲.۱	۳۰.۵	۱۰۱.۱	۰	۲۱۳.۲	۱۳۰.۸	۷۰	۲.۲	۱۲.۵۹	کرمان				
۰.۸۳۷	۱.۹	۲.۹	۱۲	۱.۳	۲.۴	۴۲.۸	۵۵.۶	۲۸.۷	۸.۶	۲۳	۷۸.۲	۰	۱۲۳.۹	۰.۱۳	۵۵	۳.۳	۵.۹۴	کرمانشاه				
۰.۸۹۱	۴.۸	۰.۴۸	۱۰	۰.۹۱	۲.۴	۳۹.۹	۵۳.۴	۴۳.۴	۵.۳	۱۸.۷	۴۶.۳	۶.۹	۶۶.۳	۰.۲۴	۷	۰.۱۱	۲.۶۶	کهگیلویه و بویراحمد				
۰.۶۳۹	۳.۱	۴.۶	۳۲	۱.۴	۲	۵۸	۶۶	۵۳.۴	۹.۵	۳۴.۱	۸۸.۳	۶.۶	۱۹۴.۵	۱.۵۵	۲۱۲	۱۶.۴	۸.۸۶	گیلان				
۰.۸۵۹	۱.۲	۲.۱	۱۰	۰.۵۳	۱.۶	۴۱.۲	۵۲.۷	۲۹.۲	۴.۵	۲۱.۹	۶۲.۶	۰	۱۳۵.۵	۰.۳۵	۶۱	۳.۳	۶.۲۰	لرستان				
۰.۶۱۹	۱.۷	۱۲.۳	۳۷	۱.۲	۱.۹	۵۴.۳	۶۳.۴	۴۵.۵	۶.۴	۳۲.۱	۷۳.۱	۱۳.۹	۱۹۵.۸	۱.۲۹	۳۰۹	۸.۴	۹.۰۶	مازندران				
۰.۷۰۲	۲.۲	۲	۱۰	۱.۴	۲.۴	۵۱.۲	۶۲.۴	۵۶.۴	۴.۶	۳۳.۵	۸۳.۶	۱۴.۹	۲۰۰.۱	۰.۳۷	۳۹۳	۲۲.۹	۱۴.۵۹	مرکزی				
۰.۸۱۲	۲.۵	۶.۷	۱۳	۱.۲	۴.۱	۴۱.۸	۵۱.۶	۴۲.۲	۲.۷	۲۱.۹	۶۱	۰	۱۵۰.۸	۰.۹۳	۲۵	۲.۴	۴.۳۱	هرمزگان				
۰.۷۹۶	۲.۱	۰.۹۴	۱۳	۱	۲.۱	۴۳.۶	۵۶.۸	۲۵.۹	۶.۱	۱۸.۹	۹۰.۲	۲.۴	۱۷۷.۷	۰.۱۵	۱۷۲	۳.۶	۸.۰۸	همدان				
۰.۶۶۶	۲.۹	۴.۴	۱۵	۲.۶	۴.۵	۶۱.۶	۶۹.۶	۸۳.۸	۱.۹	۶۴.۳	۱۸۶.۴	۰	۳۰۵	۴.۷	۱۴۷	۱۷.۲	۲۳.۰۹	یزد				

\* مآخذ داده‌های خام: اسناد برنامه‌ها، سرشماریها، گزارشهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز آمار ایران، گزارشهای فرهنگی کشور، گزارشهای وزارت نیرو، سالنامه‌های آماری کشور و استانها.

جدول شماره ۳: درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه اول توسعه (۱۳۷۲)\*

گروه	اقتصادی - زیربنایی										اجتماعی - فرهنگی					
	شاخص	استان	درصد شاغلین بخش صنعت (ساخت)	هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای	تعداد کارکنان کارگاههای
آذربایجان شرقی	۱۷،۸	۸،۲	۴۰،۳	۰،۲۰	۱۸۵،۶	۱۳،۸	۹۳	۵۹،۵	۷،۲	۴۲،۴	۶۹،۱	۵۹،۵	۲،۳	۱،۴	۲۷	۴،۱
آذربایجان غربی	۱۰،۸	۲،۹	۱۳،۸	۰،۱۸	۱۶۵،۷	۰	۱۴۵،۴	۴۲،۱	۸،۵	۳۳،۸	۶۱،۶	۵۰	۲،۵	۱۹	۴،۶	۳،۱
اصفهان	۲۴،۱	۲۲،۱	۷۳،۸	۱،۰۵	۲۴۸،۳	۹۱،۲	۲۰۱	۶۹،۷	۳،۵	۸۲،۵	۸۰،۶	۷۵،۳	۳،۹	۱،۸	۵۷	۷،۴
ایلام	۳،۸	۱،۰۶	۱۴	۰،۲۲	۱۶۸،۳	۰	۸۹،۶	۵۰،۱	۶،۳	۴۰،۵	۷۰،۴	۶۲،۳	۴،۹	۱،۴	۱۷	۳،۳
بوشهر	۵،۳	۵،۳	۴۷	۰،۴۲	۱۷۱،۱	۰	۸۸،۱	۵۵،۱	۶،۱	۷۲	۷۵	۶۷،۴	۳،۹	۱	۱۵	۶،۲
تهران	۲۳،۱	۲۲،۹	۱۹۳،۹	۰،۲۵	۲۵۲،۷	۶۰،۴	۷۶،۵	۱۲۲،۷	۷،۱	۱۲۰،۴	۸۵،۱	۸۱،۱	۶،۵	۲،۸	۴۱	۸،۵
چهارمحال و بختیاری	۱۰،۸	۱،۶	۸۷	۰،۶۱	۱۶۳،۷	۳۶	۸۹،۵	۵۶،۲	۱۰،۸	۲۳،۷	۷۱،۷	۶۳	۳،۶	۱،۱	۱۸	۱
خراسان	۱۶،۹	۴،۵	۴۴،۵	۰،۳۶	۱۸۶	۵۶،۱	۴۷،۴	۴۴،۱	۲،۵	۴۴،۸	۷۱،۷	۶۵،۶	۲،۲	۱،۴	۶۰	۱۱،۲
خوزستان	۹،۶	۱۰،۵	۱۱۲	۰،۵۲	۱۷۵،۹	۲۸،۶	۱۱۸،۵	۶۱،۲	۱۱،۴	۱۰۰،۴	۷۰،۹	۶۲،۴	۲،۶	۱،۷	۴۱	۴،۱
زنجان	۱۷،۵	۲۸،۴	۳۰،۹	۰،۶۹	۱۷۶،۴	۳۰،۲	۳۵	۳۹،۲	۸،۳	۶۶	۷۲،۳	۶۳،۹	۲،۵	۰،۸	۲۱	۱،۷
سمنان	۱۲،۶	۱۴،۹	۱۱۲	۸،۰۳	۳۷۱،۵	۳۸،۳	۱۵۲،۷	۱۲۴،۷	۱،۸	۱۱۸،۷	۷۹،۴	۷۴،۵	۵،۱	۲	۱۶	۵،۶
سیستان و بلوچستان	۵	۲،۳	۶۷	۰،۱۶	۱۱۲	۰	۲۹،۹	۵۶	۲،۷	۳۳،۱	۵۰،۳	۴۰،۸	۲،۷	۱	۹	۶،۱
فارس	۹،۲	۷،۱	۲۲،۴	۰،۴۶	۱۸۵،۴	۴۵،۵	۱۱۹،۸	۵۵،۸	۴،۹	۵۱،۸	۷۷،۸	۷۱،۶	۳	۱،۴	۳۱	۵،۱
کردستان	۷،۲	۱،۳	۴۵	۰،۶۸	۱۵۰،۵	۳،۵	۱۳۸،۲	۳۸	۷،۷	۳۰،۳	۵۸،۹	۴۵،۱	۲،۹	۱،۱	۱۵	۲،۸
کرمان	۱۰،۵	۵،۶	۹۰	۷،۵۸	۲۰۷،۳	۰	۱۱۷،۵	۵۴،۵	۲،۳	۶۹،۲	۷۲،۵	۶۷،۷	۲،۴	۱،۹	۲۸	۳،۲
کرمانشاه	۶،۷	۳،۷	۷۸	۰،۲۵	۱۷۲،۳	۰	۹۴	۴۵	۹،۸	۳۶،۱	۶۹،۲	۶۰	۱،۵	۱،۴	۱۸	۳،۱
کهگیلویه و بویراحمد	۲،۳	۱	۱۵	۰،۵۱	۱۰۹،۱	۲۶،۸	۵۱،۲	۳۱،۷	۶،۹	۴۹،۶	۶۸،۶	۵۸،۹	۴،۵	۰،۸	۸	۲،۶
گیلان	۱۰،۵	۱۶،۳	۲۵۶	۰،۷۴	۲۲۵	۲۲،۳	۱۱۱،۱	۵۶،۳	۱۱،۳	۶۲،۶	۷۵،۲	۶۹،۱	۳،۴	۱،۵	۴۴	۵،۵
لرستان	۷،۴	۴،۹	۹۱	۰،۶۶	۱۱۸،۶	۰	۷۶	۳۷	۵،۱	۴۰،۵	۶۸،۷	۶۰،۷	۲	۰،۶	۱۳	۲،۴
مازندران	۱۰،۸	۷،۹	۲۷،۹	۱،۶۴	۲۰۱،۶	۲۶	۸۷،۹	۴۸،۴	۷،۳	۶۱،۲	۷۴،۸	۶۸،۱	۳	۱،۳	۴۵	۸،۶
مرکزی	۲۲،۵	۲۶،۴	۱۴۹	۰،۸۹	۲۴۷،۷	۵۳،۸	۱۰۲	۶۸،۵	۵،۱	۸۰،۱	۷۴،۱	۶۶،۳	۳،۸	۱،۲	۱۵	۲،۸
هرمزگان	۵	۱،۶	۲۹	۲،۱۰	۱۴۶،۹	۰،۰۰۱	۶۷،۱	۴۸،۷	۳،۳	۶۰،۴	۶۵،۴	۵۷،۵	۲،۶	۱،۱	۱۳	۳۸،۵
همدان	۱۰،۱	۲،۶	۱۷۲	۰،۲۱	۱۵۷،۳	۲۹،۷	۱۰۹،۶	۴۲،۶	۸،۲	۴۰،۱	۷۱،۷	۶۲،۷	۲،۵	۱	۱۸	۲
یزد	۲۸،۶	۱۹	۲۵۹	۴،۵۱	۲۹۷،۴	۰	۲۰۶،۴	۱۰۲،۸	۲،۱	۱۰۱،۸	۷۸،۶	۷۳،۳	۴،۵	۲،۸	۲۶	۳،۹

به منظور مشخص شدن شتاب توسعه استانها در برنامه اول، نتایج محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور در سالهای ابتدا و انتهای برنامه اول با یکدیگر مقایسه شده‌اند. میزان شتاب توسعه استانها در جدول شماره ۴ و نمودار شماره ۱ آمده است. نقشه شماره ۱ نیز پراکندگی

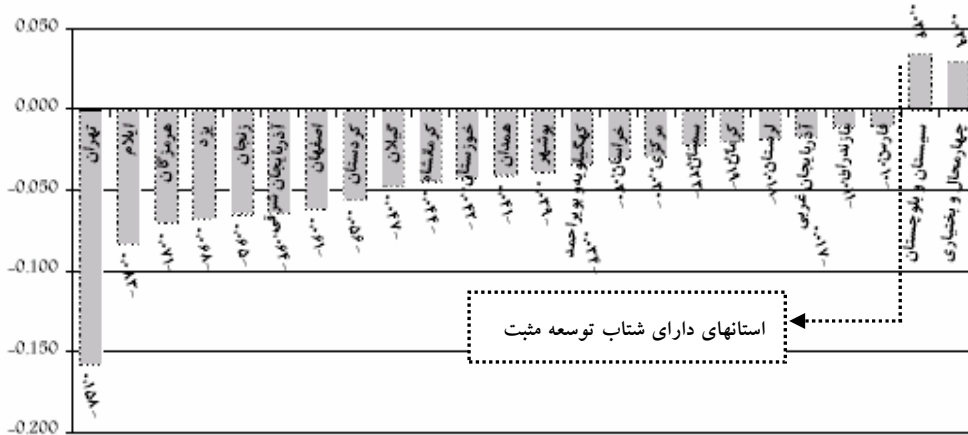
\* مآخذ داده‌های خام: اسناد برنامه‌ها، سرشماریها، گزارشهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز آمار ایران، گزارشهای فرهنگی کشور، گزارشهای وزارت نیرو، سالنامه‌های آماری کشور و استانها.

فضایی شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور را در ۴ سطح: ۱- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی زیاد ۲- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی متوسط ۳- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی کم ۴- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی منفی نشان می‌دهد. در طول این برنامه از ۲۴ استان کشور، ۲۲ استان از شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و ۲ استان از شتاب توسعه‌یافتگی منفی برخوردار بوده‌اند. همچنین در این مقطع استان تهران دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و استان سیستان و بلوچستان دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی منفی می‌باشند.

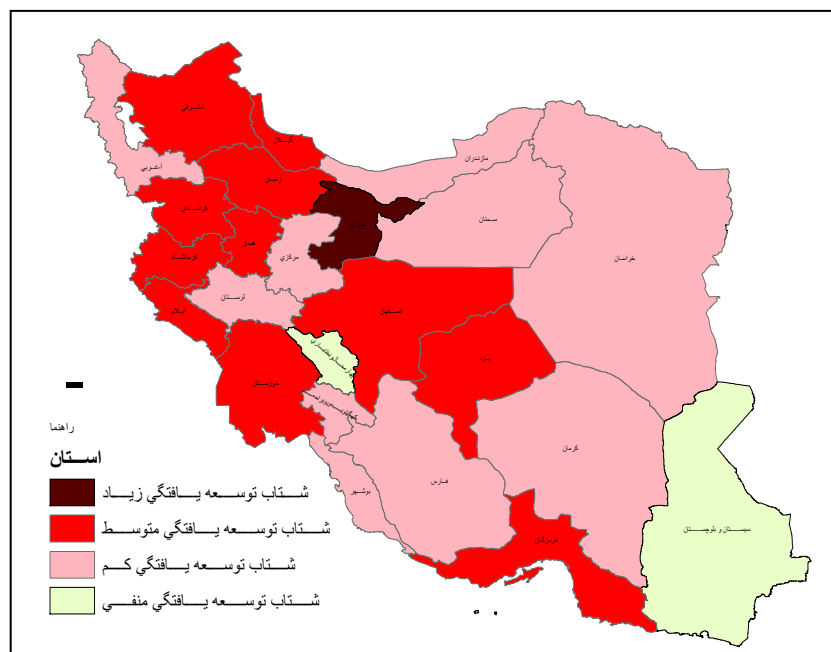
جدول شماره ۴: درجه توسعه‌یافتگی و میزان شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور در برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸)

استان	درجه توسعه‌یافتگی ۱۳۶۸	درجه توسعه‌یافتگی ۱۳۷۲	شتاب توسعه‌یافتگی*
آذربایجان شرقی	۰,۶۹۸	۰,۶۳۴	-۰,۰۶۴
آذربایجان غربی	۰,۸۰۲	۰,۷۸۵	-۰,۰۱۷
اصفهان	۰,۴۳۹	۰,۳۷۷	-۰,۰۶۱
ایلام	۰,۸۷۸	۰,۷۹۵	-۰,۰۸۳
بوشهر	۰,۷۸۴	۰,۷۴۵	-۰,۰۳۹
تهران	۰,۳۳۵	۰,۱۷۷	-۰,۱۵۸
چهارمحال و بختیاری	۰,۷۳۵	۰,۷۶۴	۰,۰۲۹
خراسان	۰,۶۳۵	۰,۶۰۵	-۰,۰۳۰
خوزستان	۰,۶۶۹	۰,۶۲۶	-۰,۰۴۲
زنجان	۰,۷۶۸	۰,۷۰۳	-۰,۰۶۵
سمنان	۰,۶۴۶	۰,۶۲۴	-۰,۰۲۳
سیستان و بلوچستان	۰,۸۱۴	۰,۹۱۸	۰,۰۲۴
فارس	۰,۶۵۵	۰,۶۴۴	-۰,۰۱۰
کردستان	۰,۸۹۷	۰,۸۴۱	-۰,۰۵۶
کرمان	۰,۷۰۲	۰,۶۸۳	-۰,۰۱۹
کرمانشاه	۰,۸۳۷	۰,۷۹۲	-۰,۰۴۴
کهگیلویه و بویراحمد	۰,۸۹۱	۰,۸۵۷	-۰,۰۳۴
گیلان	۰,۶۳۹	۰,۵۹۱	-۰,۰۴۷
لرستان	۰,۸۵۹	۰,۸۴۱	-۰,۰۱۸
مازندران	۰,۶۱۹	۰,۶۰۸	-۰,۰۱۱
مرکزی	۰,۷۰۲	۰,۶۷۲	-۰,۰۳۰
هرمزگان	۰,۸۱۲	۰,۷۴۱	-۰,۰۷۱
همدان	۰,۷۹۶	۰,۷۵۵	-۰,۰۴۱
یزد	۰,۶۲۶	۰,۵۵۹	-۰,۰۶۸

\* در این ستون علامت منفی به معنای نزدیکی درجه توسعه‌یافتگی به عدد صفر و برخورداری از شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و علامت مثبت به معنای نزدیکی درجه توسعه‌یافتگی به عدد ۱ و داشتن شتاب توسعه‌یافتگی منفی می‌باشد.



نمودار شماره ۱: میزان شتاب توسعه استانها در برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)



نقشه شماره ۱: شتاب توسعه یافتگی استانها در برنامه اول (۱۳۶۸-۷۲)

شتاب توسعه یافتگی استانهای کشور در طول برنامه ۵ ساله دوم توسعه (۱۳۷۲-۱۳۷۸) برای محاسبه شتاب توسعه یافتگی استانهای کشور در طول برنامه دوم توسعه، درجه

توسعه‌یافتگی استانهای کشور در سالهای ۱۳۷۲ (جدول شماره ۳) و ۱۳۷۸ (جدول شماره ۵) و مقایسه درجه توسعه‌یافتگی استانها در این دو مقطع ملاک عمل قرار گرفت. نتایج حاصل از این مقایسه در جدول شماره ۶ و نمودار شماره ۲ نشان داده شده است. نقشه شماره ۲ نیز پراکندگی فضایی شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور را در ۴ سطح: ۱- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی زیاد ۲- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی متوسط ۳- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی کم ۴- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی منفی را نشان می‌دهد. با وجود اینکه در سال ۱۳۷۸ یعنی سال پایان برنامه دوم توسعه تعداد استانهای کشور از ۲۴ به ۲۸ استان افزایش پیدا کرده است، ولی به دلیل وجود ۲۴ استان در مقطع ابتدای برنامه دوم و عدم وجود آمار تفکیک شده برای ۴ استان اردبیل، گلستان، قزوین و قم در مقطع پایان برنامه دوم، محاسبه درجه توسعه‌یافتگی همانند برنامه اول بر مبنای ۲۴ استان صورت گرفت. از تعداد ۲۴ استان در طول برنامه دوم توسعه ۹ استان دارای شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و ۱۵ استان دارای شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده‌اند. در این مقطع استان خراسان دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و استان زنجان دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده‌اند.



جدول شماره ۵: درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸)\*

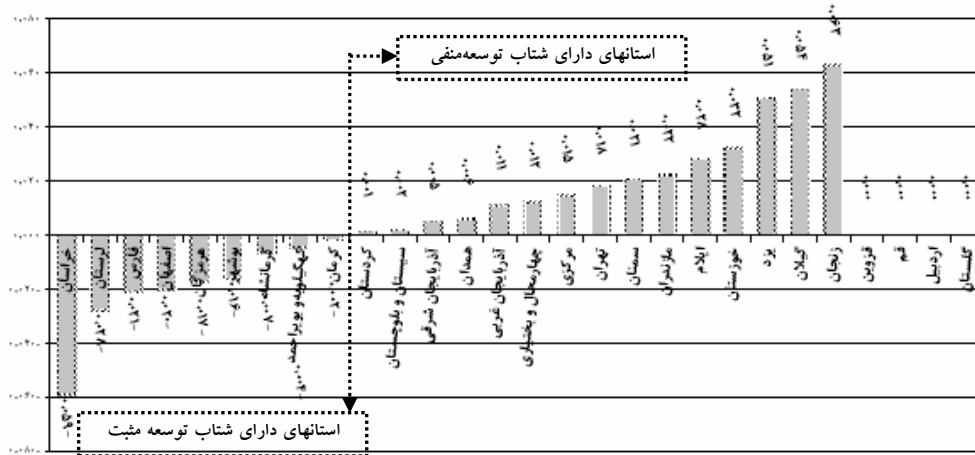
درجه توسعه‌یافتگی	اجتماعی - فرهنگی										اقتصادی - زیربنایی										گروه	
	مقدار حاکم بهادست به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	سرايه تخت اقامتي به ازاي هر ۱۰۰۰ نفر جمعيت	تعداد كتابخانه (وزارت ارشاد)	سرايه تخت بيمارستان براي هر ۱۰۰۰ نفر جمعيت	سرايه پزشكي به ازاي هر ۱۰۰۰ نفر جمعيت	نرخ سواد زنان	نرخ سواد جمعيت ۶ ساله و بيشتر	تعداد بيمه شده گان تا مبن اجتماعي در هر ۱۰۰۰ نفر جمعيت	طول راههاي تحت حوزه وزارت راه در هر ۱۰۰۰ كيلومتر مربع وسعت	تعداد خطوط تلفن	در هر ۱۰۰۰ نفر جمعيت	تعداد انشعاب آب	در هر ۱۰۰۰ نفر جمعيت	تعداد انشعاب گاز	در هر ۱۰۰۰ نفر جمعيت	تعداد مشرکين برق	تعداد مشرکين استخر اح معدن	به ازاي هر ۱۰۰۰ نفر جمعيت	تعداد کارگاههاي داراي ۱۰ نفر کارکن و بيشتر	تعداد کارکنان کارگاههاي داراي ۱۰ نفر کارکن و بيشتر به ازاي هر ۱۰۰۰ نفر جمعيت		درصد شاغلين بخش صنعت (ساخت)
۰.۶۳۹	۳	۵.۱	۷۲	۱.۵	۳.۴	۶۴.۷	۷۵.۴	۶۸.۷	۶	۱۵۹.۳	۱۳۸.۹	۴۲.۴	۲۵۰.۲	۰.۳۶	۸۲۴	۱۳.۲	۲۸.۶	آذربایجان شرقی				
۰.۷۹۶	۳.۲	۵.۴	۴۰	۱.۳	۲.۸	۵۸.۶	۶۹	۴۴.۲	۹.۳	۱۱۱.۲	۱۳۹.۹	۱۴	۲۱۷.۲	۰.۲۹	۳۹۴	۵.۱	۱۵.۱	آذربایجان غربی				
۰.۸۰۸	۴.۱	۲.۹	۳۳	۱	۳.۱	۶۴.۸	۷۳.۳	۵۷.۵	۷.۵	۱۱۱.۳	۱۰۷.۴	۳۶.۴	۲۰۷	۰.۱۰	۱۰۱	۳.۵	۱۴	اردبیل				
۰.۳۵۷	۱.۷	۷.۸	۱۰۰	۲	۴.۳	۸۰.۹	۸۴.۷	۱۱۹.۲	۳.۸	۱۷۰	۲۴۸	۱۱۸.۲	۲۹۳.۱	۰.۹۲	۲۰۷۸	۲۹.۲	۳۰.۶	اصفهان				
۰.۸۳۳	۳.۸	۵.۸	۲۴	۱.۲	۴.۱	۷۱	۷۶.۷	۵۸.۶	۶.۷	۱۱۳.۸	۱۱۴.۹	۰	۱۹۴.۵	۰.۲۸	۳۰	۲.۱	۷.۸	ایلام				
۰.۷۲۹	۲.۹	۴.۸	۳۴	۱.۷	۵.۹	۷۵.۲	۸۰.۶	۱۴۶.۸	۹	۱۲۴.۳	۱۰۴.۷	۰.۶۴	۲۰۵.۲	۰.۵۴	۴۸	۳.۲	۱۱.۳	بوشهر				
۰.۱۹۵	۰.۲	۹.۶	۷۳	۲.۵	۷.۲	۸۴.۹	۸۸.۵	۱۸۴.۲	۹.۳	۲۳۸.۲	۱۲۲.۱	۷۴.۹	۳۴۴.۹	۰.۲۱	۴۴۳۷	۲۶.۵	۲۴.۳	تهران				
۰.۷۷۶	۳.۷	۲.۵	۳۱	۱.۵	۴.۲	۷۰.۴	۷۷	۶۲.۸	۷.۵	۱۳۶.۳	۱۳۳.۸	۶۰.۳	۲۰۴.۸	۰.۵۷	۱۱۲	۳.۵	۲۴	چهارمحال و بختیاری				
۰.۵۵۶	۲.۷	۲۵.۱	۱۰۸	۱.۴	۲.۷	۷۶.۸	۸۰.۹	۶۹.۷	۳.۹	۱۰۶.۵	۱۳۲.۸	۴۹.۶	۲۴۸.۳	۰.۵۸	۱۳۶۷	۱۰.۲	۲۲.۱	خراسان				
۰.۶۵۸	۲	۴.۶	۸۵	۱.۷	۲.۷	۶۹.۹	۷۶.۹	۱۲.۹	۷.۵	۱۱۱.۶	۱۳۷.۱	۴۱.۴	۱۷۴.۵	۰.۳۲	۲۷۴	۱۱.۸	۱۳.۷	خوزستان				
۰.۷۶۶	۲.۶	۲.۴	۳۳	۱.۲	۳.۴	۶۷.۷	۷۴.۵	۸۱.۴	۵.۷	۱۱۲.۱	۱۱۳.۳	۵۵.۵	۲۲۰.۵	۰.۴۷	۱۴۹	۱۴.۹	۱۸.۷	زنجان				
۰.۶۵۵	۲.۷	۵.۶	۳۴	۲.۵	۶.۹	۸۰.۵	۸۴.۵	۱۳۱.۸	۱.۶	۱۹۶	۱۹۱.۴	۸۳.۷	۳۱۶.۹	۷.۹۹	۲۳۹	۲۷.۷	۱۶.۹	سمنان				
۰.۹۲۰	۳.۶	۶.۵	۲۶	۱.۱	۲.۸	۴۸.۶	۵۷.۳	۴۶.۵	۳.۹	۶۵.۹	۷۱.۳	۰	۱۴۴.۵	۰.۲۶	۱۱۹	۲.۸	۸.۷	سیستان و بلوچستان				
۰.۶۲۳	۲.۴	۵	۱۰.۷	۱.۵	۳	۷۷.۳	۸۱.۸	۸۲.۵	۶	۱۰۲.۹	۱۴۸.۶	۵۳.۳	۲۲۳	۰.۶۹	۴۵۷	۸.۲	۱۸	فارس				
۰.۷۰۸	۲.۲	۲	۲۲	۱.۳	۲.۹	۷۴.۱	۸۱.۴	۱۲۹	۸.۴	۱۱۴.۳	۱۰۳.۸	۵۰.۵	۲۴۴.۱	۰.۴۱	۴۵۰	۴۹.۴	۱۹.۲	قزوین				
۰.۷۵۴	۰.۶	۴.۹	۱۰	۱.۸	۳.۲	۷۶.۹	۸۱.۹	۸۳.۱	۶.۲	۱۷۱.۷	۲۰۱.۵	۱۱۲.۱	۲۶۷	۰.۸۴	۲۶۴	۱۲	۳۱.۸	قم				
۰.۸۴۲	۳.۹	۲.۱	۳۳	۱.۵	۳.۹	۵۷.۴	۶۸.۳	۴۰.۲	۵۸.۷	۹۱.۳	۱۴۱	۲۰.۲	۲۰.۲	۰.۶۴	۱۴۸	۲.۹	۱۴.۲	کردستان				
۰.۶۸۱	۳.۵	۶.۲	۶۶	۱.۷	۳.۹	۷۴.۷	۷۸.۲	۱۰۳	۲.۳	۹۵.۳	۱۳۰.۳	۱۳.۱	۲۴۱.۵	۵.۷۳	۲۰۷	۷.۲	۱۶	کرمان				
۰.۷۸۶	۳	۳.۳	۴۴	۱.۵	۲	۷.۱	۷۶.۶	۵۲.۵	۱۰.۱	۱۰۳.۲	۱۳۰.۶	۱۶.۱	۱۹۶.۶	۰.۱۶	۱۷۸	۵.۱	۱۰.۵	کرمانشاه				
۰.۸۵۳	۵.۲	۸.۴	۲۲	۰.۸	۴	۶۸.۴	۷۵.۵	۵۵.۶	۷.۵	۷۷.۱	۷۳.۳	۴۲.۴	۱۴۳.۵	۰.۵۴	۳۷	۲.۳	۸.۶	کهگیلویه و بویراحمد				
۰.۸۲۵	۳.۵	۳.۵	۲۶	۱	۲.۷	۷۳	۷۷	۴۵.۵	۷.۲	۷۹.۲	۸۴	۵۵.۹	۱۹۷.۵	۱.۱۶	۱۹۸	۵.۳	۸.۲	گلستان				
۰.۶۵۵	۴.۳	۷.۲	۵۵	۱.۵	۳.۹	۷۴.۵	۷۹.۲	۸۱.۴	۱۲.۵	۱۳۰.۶	۱۵۶	۵۷.۴	۲۷۵.۶	۰.۸۸	۵۴۱	۱۸.۴	۱۳.۸	گیلان				
۰.۸۱۳	۳.۱	۲.۲	۳۰	۱.۲	۳.۳	۶۸.۸	۷۴.۸	۷۳.۸	۵.۷	۷۷.۱	۱۰۷.۱	۲۱.۴	۱۷۰.۸	۱.۰۹	۱۵۱	۶	۱۱.۹	لرستان				
۰.۶۳۰	۴.۳	۱۲.۱	۴۶	۱.۶	۴.۴	۸۱.۴	۸۰.۸	۹۴.۸	۹.۶	۱۴۱.۶	۱۱۵.۶	۳۶.۹	۳۹۰.۹	۰.۷۵	۴۳۶	۱۱.۹	۱۶.۲	مازندران				
۰.۶۸۷	۳.۴	۳.۱	۳۹	۱.۴	۳.۸	۶۷.۲	۷۹.۳	۱۰۱.۹	۵.۴	۱۳۷.۲	۱۳۸.۶	۷۳.۱	۲۸۱.۶	۱.۱۳	۳۱۶	۳۴.۳	۲۲.۹	مرکزی				
۰.۷۲۴	۳.۶	۶۹.۷	۲۸	۱.۱	۳.۵	۶۶.۵	۷۲.۸	۸۷.۸	۳.۹	۱۰۵.۷	۸۰.۵	۰.۰۰۱	۲۱۲.۳	۲.۳۴	۷۸	۴.۳۳	۱۱.۲	هرمزگان				
۰.۷۶۱	۳.۲	۲.۹	۴۰	۱.۵	۳.۳	۷۱.۳	۷۷.۳	۵۷.۱	۱۰.۴	۱۰۳.۵	۱۳۷.۱	۶۲.۷	۲۱۰.۲	۰.۴۴	۳۳۴	۵.۴	۱۷.۹	همدان				
۰.۶۱۰	۲.۸	۴.۳	۴۳	۲.۷	۶	۷۹.۸	۸۳.۴	۱۳۶.۱	۲.۲	۲۱۲.۴	۲۳۶	۱۲.۷	۳۶۲.۷	۳.۸۱	۳۹۶	۲۹.۹	۳۴.۷	یزد				

\* مآخذ داده‌های خام: اسناد برنامه‌ها، سرشماریها، گزارشهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز آمار ایران، گزارشهای فرهنگی کشور، گزارشهای وزارت نیرو، سالنامه‌های آماری کشور و استانها.

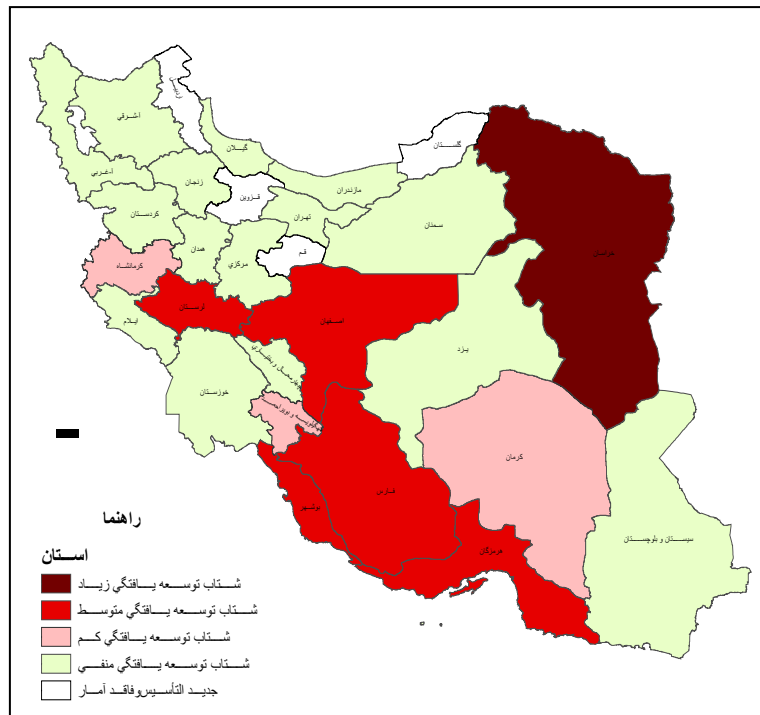
جدول شماره ۶: درجه توسعه یافتگی و میزان شتاب توسعه استانهای کشور در برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۲)

استان	درجه توسعه یافتگی ۱۳۷۲	درجه توسعه یافتگی ۱۳۷۸	شتاب توسعه یافتگی *
آذربایجان شرقی	۰,۶۳۴	۰,۶۳۹	۰,۰۰۵
آذربایجان غربی	۰,۷۸۵	۰,۷۹۶	۰,۰۱۱
اصفهان	۰,۳۷۷	۰,۳۵۷	-۰,۰۲۰
ایلام	۰,۷۹۵	۰,۸۲۳	۰,۰۲۸
بوشهر	۰,۷۴۵	۰,۷۲۹	-۰,۰۱۶
تهران	۰,۱۷۷	۰,۱۹۵	۰,۰۱۸
چهارمحال و بختیاری	۰,۷۶۴	۰,۷۷۶	۰,۰۱۲
خراسان	۰,۶۰۵	۰,۵۴۶	-۰,۰۵۹
خوزستان	۰,۶۲۶	۰,۶۵۸	۰,۰۳۲
زنجان	۰,۷۰۳	۰,۷۶۶	۰,۰۶۳
سمنان	۰,۶۲۴	۰,۶۴۵	۰,۰۲۱
سیستان و بلوچستان	۰,۹۱۸	۰,۹۲۰	۰,۰۰۲
فارس	۰,۶۴۴	۰,۶۲۳	-۰,۰۲۱
کردستان	۰,۸۴۱	۰,۸۴۲	۰,۰۰۱
کرمان	۰,۶۸۳	۰,۶۸۱	-۰,۰۰۲
کرمانشاه	۰,۷۹۲	۰,۷۸۶	-۰,۰۰۷
کهگیلویه و بویراحمد	۰,۸۵۷	۰,۸۵۳	-۰,۰۰۴
گیلان	۰,۵۹۱	۰,۶۴۵	۰,۰۵۴
لرستان	۰,۸۴۱	۰,۸۱۳	-۰,۰۲۸
مازندران	۰,۶۰۸	۰,۶۳۰	۰,۰۲۲
مرکزی	۰,۶۷۲	۰,۶۸۷	۰,۰۱۵
هرمزگان	۰,۷۴۱	۰,۷۲۴	-۰,۰۱۷
همدان	۰,۷۵۵	۰,۷۶۱	۰,۰۰۶
یزد	۰,۵۵۹	۰,۶۱۰	۰,۰۵۱
اردبیل	-	۰,۸۰۸	۰,۸۰۸
قزوین	-	۰,۷۰۸	۰,۷۰۸
قم	-	۰,۷۴۴	۰,۷۴۴
گلستان	-	۰,۸۲۵	۰,۸۲۵

\* در این ستون علامت منفی به معنای نزدیکی درجه توسعه‌یافتگی به عدد صفر و برخورداری از شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و علامت مثبت به معنای نزدیکی درجه توسعه‌یافتگی به عدد ۱ و داشتن شتاب توسعه‌یافتگی منفی می باشد.



نمودار شماره ۲: میزان شتاب توسعه استانها در برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۲)



نقشه شماره ۲ شتاب توسعه یافتگی استانها در برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۲)

### شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور در طول برنامه ۵ ساله سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۸)

برای محاسبه شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور در برنامه سوم توسعه، همانند مقاطع قبلی درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور در سالهای ابتدا و انتهای برنامه سوم یعنی سالهای ۱۳۷۸ (جدول شماره ۵) و ۱۳۸۳ (جدول شماره ۷) مورد مقایسه قرار گرفتند و نتایج آن نیز در جدول شماره ۸ و نمودار شماره ۳ آورده شده است. نقشه شماره ۳ نیز پراکنش فضایی شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور را در ۴ سطح: ۱- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی زیاد ۲- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی متوسط ۳- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی کم ۴- استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی منفی نشان می‌دهد. در این مقطع به علت وجود آمار برای همه ۲۸ استان موجود کشور، درجه توسعه‌یافتگی برای همه استانها محاسبه شد. از ۲۸ استان ۱۱ استان دارای شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و ۱۷ استان نیز دارای شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده‌اند. در این مقطع استان مرکزی دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و استان خوزستان دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده‌اند.

جدول شماره ۷: درجه توسعه‌یافتگی و رتبه‌ی استانهای کشور در پایان برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳)\*

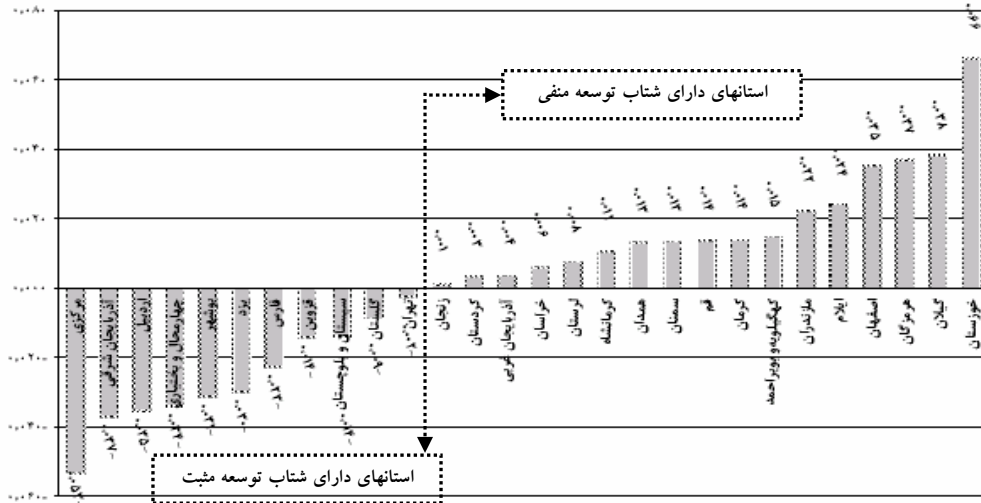
گروه	اقتصادی - زیربنایی										اجتماعی - فرهنگی						شاخص استان							
	تعداد شاغلین بخش صنعت (ساخت)	هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد کارکنان کارگاههای تولیدی و بیشتر	تعداد کارکنان کارگاههای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد کارگاههای دارای ۱۰ نفر جمعیت	تعداد کارگاههای استخراج معدن	تعداد مشغولین برون	تعداد مشغولین کار	تعداد انشعاب آب	تعداد انشعاب گاز	در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد خطوط تلفن	تعداد راه در هر ۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت	طول راههای تحت حوزة وزارت	تعداد پیشه شدگان تاسیس اجتماعی	در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت		نسب سواد جمعیت ۶ ساله و بیشتر	نسب سواد زنان	هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	سراة پزشک به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	سراة تخت بیمارستان برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد کتابخانه(وزارت ارشاد)	هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت
آذربایجان شرقی	۲۶,۳	۱۵,۹	۹۵,۷	۰,۴۴	۲۸۹,۸	۹۸,۷	۱۸۸,۴	۳۴۳,۸	۶	۸۱,۱	۷۶,۸	۵,۳	۱,۷	۱۰,۷	۷	۳	۰,۶۰۲							
آذربایجان غربی	۱۳,۱	۶,۵	۴۸,۶	۰,۴۹	۲۳۱,۱	۵,۷	۱۶۳,۷	۲۱۴,۲	۸,۱	۵۰,۴	۶۷,۳	۲,۷	۱,۲	۴,۷	۵,۷	۳	۰,۸۰۰							
اردبیل	۸,۸	۵	۱۳۰	۰,۲۴	۲۴۲,۲	۷۴,۲	۲۷۱,۱	۱۸۰,۳	۸,۴	۶۷,۲	۷۸,۶	۲,۹	۱,۱	۱۰,۲	۴,۲	۰,۷۷۳								
اصفهان	۲۸,۷	۲۹	۲۳۴۳	۱,۰۷	۳۲۸,۷	۱۴۴,۱	۲۳۷,۴	۳۱۴,۹	۴,۳	۱۲۱,۲	۸۷,۱	۸۳,۴	۳	۱۳,۲	۷,۴	۰,۳۹۴								
ایلام	۳,۴	۱,۹	۲۶	۰,۳۸	۲۰۲,۷	۱,۵	۱۷۸,۱	۱۷۸,۱	۷,۶	۶۷,۵	۸۲,۳	۲,۱	۱,۴	۲,۴	۶,۴	۰,۸۴۷								
بوشهر	۹,۵	۹,۱	۶۷	۱,۰۳	۲۵۰,۱	۱,۱	۲۰,۹	۲۸۶	۶,۸	۲۲۰,۱	۸۶,۲	۴,۸	۱,۶	۳,۹	۴,۳	۰,۶۹۸								
تهران	۲۳,۲	۳۰,۳	۵۲۴۰	۰,۱۸	۳۷۷,۸	۸۹,۸	۱۴۴,۱	۳۹۸,۱	۸,۷	۱۸۹,۱	۹۰,۶	۳,۷	۲,۴	۹,۲	۸,۷	۰,۱۹۲								
چهارمحال و بختیاری	۱۵,۸	۶,۲	۱۲۷	۰,۴۰	۲۴۱,۷	۱۱۰,۸	۲۰۸,۵	۲۱۹	۸,۱	۹۹,۳	۸۲,۸	۵,۱	۱,۵	۲,۸	۲,۸	۰,۷۴۲								
خراسان	۱۵,۶	۱۳,۷	۱۳۴۴	۰,۷۱	۳۰۵,۱	۷۶,۶	۲۳۹	۲۴۶,۶	۶,۳	۸۳,۶	۸۵,۹	۳,۱	۱,۷	۱۲,۷	۲۳,۶	۰,۵۵۲								
خوزستان	۱۱,۵	۱۰,۵	۳۲۰	۰,۳۵	۱۷۰,۷	۵۱,۵	۱۴۵,۲	۱۵۲,۲	۷,۶	۱۰۸,۶	۸۵	۸۰,۸	۳	۸,۷	۴,۳	۰,۷۲۵								
زنجان	۲۲,۹	۲۰,۲	۱۹۲	۱,۱	۲۴۷,۶	۷۸,۶	۱۸۲	۲۰۹,۵	۷,۲	۸۶	۸۰	۷۴,۳	۴,۱	۳,۹	۲,۸	۰,۷۶۸								
سمنان	۱۷,۴	۲۱,۹	۱۹۸	۵,۳	۳۴۳,۲	۱۲۲,۲	۲۷۲,۲	۳۲۸,۷	۱,۶	۱۴۴,۶	۹۰,۱	۶,۹	۲,۱	۳,۷	۵,۶	۰,۶۵۸								
سیستان و بلوچستان	۴,۸	۲,۱	۱۳۲	۰,۲۰	۱۶۲,۵	۰	۱۱۹,۴	۱۴۲,۲	۴,۳	۴۶,۳	۷۱,۳	۶۴,۱	۰,۹۶	۴,۰	۶	۰,۹۰۶								
فارس	۱۲,۵	۹,۳	۷۷۳	۱,۰۷	۲۵۱,۲	۷۸,۶	۲۱۶,۱	۲۳۹,۲	۵,۹	۹۸,۶	۸۶,۳	۸۳	۳,۴	۱۲,۴	۷,۹	۰,۶۰۱								
قزوین	۲۲,۴	۵۱,۸	۵۷۲	۰,۵۴	۲۸۲,۸	۸۵,۴	۱۸۳,۷	۲۵۳,۹	۸,۸	۱۲۸,۶	۸۴,۱	۷۹,۴	۲,۸	۱,۲	۱,۵	۰,۶۹۳								
قم	۲۷,۲	۱۶,۷	۳۷۳	۰,۷۸	۲۸۰,۷	۱۲۵	۲۱۷,۸	۲۷۲,۸	۵,۷	۸۸,۵	۸۵,۵	۸۱	۳,۱	۱۳	۳,۸	۰,۷۵۸								
کردستان	۱۹	۲,۵	۱۰۵	۰,۵۷	۲۱۳,۹	۵۳,۴	۱۳۹,۹	۱۸۴,۱	۶	۵۵	۷۵,۵	۶۷,۸	۴,۹	۱,۳	۳,۱	۰,۸۴۶								
کرمان	۸,۶	۶,۶	۱۰۵	۴,۱	۲۶۴,۶	۵۳,۷	۲۲۱,۱	۲۱۸,۸	۲,۶	۹۵,۳	۸۴,۵	۸۱,۹	۴	۱,۵	۷,۹	۰,۶۹۵								
کرمانشاه	۷,۵	۵	۲۲۷	۰,۳۰	۲۱۲,۳	۵۱,۴	۱۶۳,۱	۲۰۰,۲	۹,۸	۶۱,۶	۸۱,۹	۷۶,۲	۲,۷	۱,۳	۳,۴	۰,۷۹۶								
کهگیلویه و بویراحمد	۴,۳	۱,۹	۳۶	۰,۵۰	۱۶۴,۳	۵۴,۶	۱۳۳,۱	۱۴۵,۴	۷,۶	۶۱,۷	۸۴,۱	۷۸,۷	۳,۶	۰,۸۸	۲,۴	۰,۸۶۸								
گلستان	۱۰,۱	۴,۸	۲۰۴	۰,۹۲	۲۲۸,۶	۸۳,۹	۱۶۹,۴	۲۳۱,۴	۸	۵۵,۴	۸۲,۲	۷۶,۴	۳,۴	۱,۱	۳,۵	۰,۸۱۶								
گیلان	۱۰,۱	۱۵	۶۱۰	۰,۶۰	۳۳۴,۶	۹۹,۷	۲۲۵,۷	۱۲۶,۱	۱۲,۶	۷۶,۸	۸۴,۲	۷۹,۹	۴,۳	۱,۶	۱۱,۳	۰,۶۸۳								
لرستان	۷,۶	۶	۱۵۵	۱,۲	۱۹۸,۸	۵۷,۲	۱۴۷,۱	۱۸۳,۹	۵,۸	۷۱,۶	۸۲,۶	۷۸,۲	۳	۱,۱	۲,۷	۰,۸۲۱								
مازندران	۱۰,۸	۱۱	۵۰۷	۱,۲	۴۸۲,۱	۱۰۸,۷	۱۹۵	۳۳۷	۹,۵	۹۰,۹	۸۵,۹	۸۱,۸	۵,۱	۱,۵	۱۴,۷	۰,۶۱۵								
مرکزی	۲۲,۶	۴۳,۳	۴۲۹	۱	۳۱۵,۹	۱۰۳,۷	۲۰۹,۴	۲۴۵,۷	۶	۱۳۳,۲	۸۴,۲	۷۹,۶	۴,۴	۱,۴	۳,۲	۰,۶۳۳								
هرمزگان	۶,۴	۵,۷	۷۲	۰,۶۰	۲۳۹	۰,۰۰۱	۱۶۹,۳	۱۸۱,۳	۳,۵	۱۱۱,۵	۸۵,۶	۸۲,۵	۳,۷	۱,۳	۱۷,۱	۰,۷۶۱								
همدان	۱۴,۱	۵,۹	۲۴۹	۰,۵۹	۲۴۷,۴	۹۰,۷	۱۵۰,۱	۲۰۲,۷	۱۰,۲	۷۰	۸۲,۶	۷۶,۹	۳,۶	۱,۵	۳,۷	۰,۷۷۴								
یزد	۲۸,۵	۲۳,۹	۴۷۰	۶,۴	۳۸۹,۱	۱۰۳,۳	۳۳۸,۷	۳۳۸,۴	۳,۷	۱۴۲,۹	۸۹,۱	۸۵,۹	۶,۳	۲,۶	۱۰,۶	۰,۵۸۰								

\* مآخذ داده‌های خام: اسناد برنامه‌ها، سرشماریها، گزارشهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز آمار ایران، گزارشهای فرهنگی کشور، گزارشهای وزارت نیرو، سالنامه‌های آماری کشور و استانها.

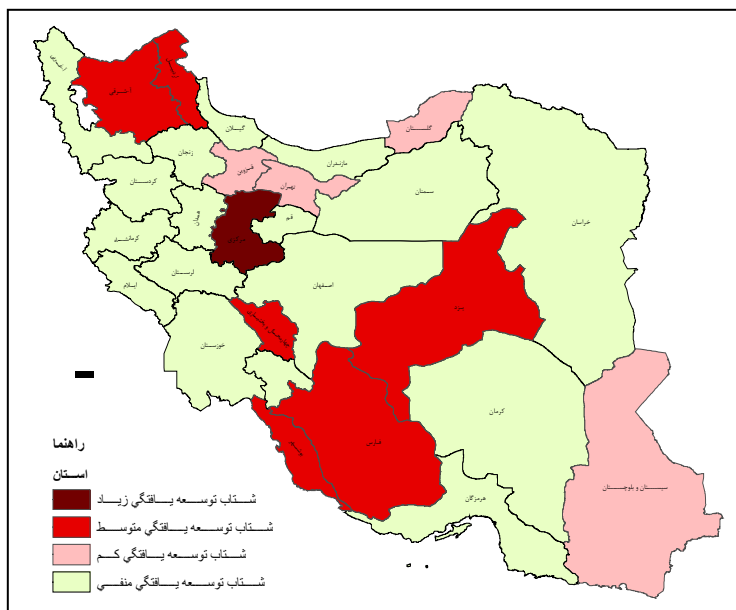
جدول شماره ۸: درجه توسعه یافتگی و میزان شتاب توسعه استانهای کشور در برنامه سوم (۸۳-۱۳۷۸)

استان	درجه توسعه یافتگی ۱۳۷۸	درجه توسعه یافتگی ۱۳۸۳	شتاب توسعه یافتگی *
آذربایجان شرقی	۰,۶۳۹	۰,۶۰۲	-۰,۰۳۷
آذربایجان غربی	۰,۷۹۶	۰,۸۰۰	۰,۰۰۴
اردبیل	۰,۸۰۸	۰,۷۷۳	-۰,۰۳۵
اصفهان	۰,۳۵۷	۰,۳۹۲	۰,۰۳۵
ایلام	۰,۸۲۳	۰,۸۴۷	۰,۰۲۴
بوشهر	۰,۷۲۹	۰,۶۹۸	-۰,۰۳۱
تهران	۰,۱۹۵	۰,۱۹۲	۰,۰۰۲
چهارمحال و بختیاری	۰,۷۷۶	۰,۷۴۲	-۰,۰۳۴
خراسان	۰,۵۴۶	۰,۵۵۲	۰,۰۰۶
خوزستان	۰,۶۵۸	۰,۷۲۵	۰,۰۶۶
زنجان	۰,۷۶۶	۰,۷۶۸	۰,۰۰۱
سمنان	۰,۶۴۵	۰,۶۵۸	۰,۰۱۳
سیستان و بلوچستان	۰,۹۲۰	۰,۹۰۶	-۰,۰۱۴
فارس	۰,۶۲۳	۰,۶۰۱	-۰,۰۲۳
قزوین	۰,۷۰۸	۰,۶۹۳	-۰,۰۱۴
قم	۰,۷۴۴	۰,۷۵۸	۰,۰۱۴
کردستان	۰,۸۴۲	۰,۸۴۶	۰,۰۰۳
کرمان	۰,۶۸۱	۰,۶۹۵	۰,۰۱۴
کرمانشاه	۰,۷۸۶	۰,۷۹۶	۰,۰۱۱
کهگیلویه و بویراحمد	۰,۸۵۳	۰,۸۶۸	۰,۰۱۵
گلستان	۰,۸۲۵	۰,۸۱۶	-۰,۰۰۹
گیلان	۰,۶۴۵	۰,۶۸۳	-۰,۰۳۸
لرستان	۰,۸۱۳	۰,۸۲۱	۰,۰۰۸
مازندران	۰,۶۳۰	۰,۶۵۳	۰,۰۲۲
مرکزی	۰,۶۸۷	۰,۶۳۳	-۰,۰۵۳
هرمزگان	۰,۷۲۴	۰,۷۶۱	۰,۰۳۷
همدان	۰,۷۶۱	۰,۷۷۴	۰,۰۱۳
یزد	۰,۶۱۰	۰,۵۸۰	-۰,۰۳۰

\* در این ستون علامت منفی به معنای نزدیکی درجه توسعه‌یافتگی به عدد صفر و برخورداری از شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و علامت مثبت به معنای نزدیکی درجه توسعه‌یافتگی به عدد ۱ و داشتن شتاب توسعه‌یافتگی منفی می باشد.



نمودار شماره ۳: میزان شتاب توسعه استانها در برنامه سوم (۱۳۷۸-۱۳۸۳)



نقشه شماره ۳ شتاب توسعه یافتگی استانها در برنامه سوم (۱۳۷۸-۸۳)

## ۵- تجزیه و تحلیل

در برنامه اول توسعه استان تهران دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت بوده است که این مسئله را می‌توان ناشی از فراهم بودن بسترها و زیرساختهای توسعه در این استان نسبت به سایر استانها دانست. نکته دیگری که در مورد شتاب توسعه‌یافتگی استانها در برنامه اول وجود دارد این است که استان ایلام پس از تهران دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت می‌باشد که علت این مسئله را نیز می‌توان به اقدامات ناشی از بازسازی‌های مناطق جنگ زده که از سال ۱۳۶۸ شروع شد مرتبط دانست که موجب توجه ویژه‌ای به این استان شد. با توجه به نقشه شماره ۱ مشخص می‌شود که از ۲۴ استان کشور فقط استان تهران در ردیف استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی مثبت زیاد قرار دارد. تعداد استانهای دارای شتاب متوسط ۷ استان، تعداد استانهای دارای شتاب کم ۱۴ استان و استانهای دارای شتاب منفی نیز ۲ استان سیستان و بلوچستان و چهارمحال بختیاری می‌باشد.

در طول برنامه دوم استان خراسان دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و استان زنجان نیز دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده است. علت این مسئله برای استان زنجان را می‌توان به جدا شدن بخش‌های شرقی این استان - که اکنون استان قزوین را تشکیل می‌دهد- و الحاق آن به استان تهران در طول برنامه دوم دانست. و از آنجایی که این بخش از استان زنجان دارای بیشترین تعداد کارخانجات و مراکز صنعتی می‌باشد و بطور کلی نسبت به بخش‌های غربی استان از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار بوده لذا تفکیک این بخش‌ها از استان موجب تنزل میانگین وضع توسعه‌یافتگی در این استان شده است و موجب شده که درجه توسعه‌یافتگی استان زنجان در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال ۱۳۷۲ از شتاب منفی برخوردار شود. با توجه به نقشه شماره ۲ مشخص می‌شود که در طول برنامه دوم استان خراسان به تنهایی در ردیف استانهای دارای شتاب توسعه زیاد قرار گرفته است، تعداد ۵ استان در ردیف استانهای دارای شتاب توسعه متوسط، تعداد ۳ استان دارای شتاب توسعه‌یافتگی کم و تعداد ۱۵ استان دارای شتاب توسعه‌یافتگی منفی می‌باشند.

در طول برنامه سوم استان مرکزی دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و استان خوزستان نیز دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده است. قرار گرفتن استان خوزستان در طول



برنامه سوم در این جایگاه از لحاظ تحرکات قوم‌گرایانه می‌تواند بسیار خطرناک باشد. کما اینکه در سالهای اخیر شاهد تحرکات قوم‌گرایانه در این استان می‌باشیم و این گروه‌ها می‌توانند با مستمسک قرار دادن وضع توسعه‌یافتگی این استان موجب ایجاد آشوبها و ناامنی‌هایی در این استان شوند. در طول برنامه سوم به دلیل وجود آمارهای تفکیک شده برای ۴ استان اردبیل، گلستان، قزوین و قم همه ۲۸ استان مورد توجه قرار گرفت. لذا با توجه به نقشه شماره ۳ از ۲۸ استان کشور استان مرکزی به تنهایی در ردیف استانهای دارای بیشترین شتاب توسعه‌یافتگی مثبت، ۱۶ استان در ردیف استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی متوسط و ۴ استان در ردیف استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی کم و ۱۷ استان دارای شتاب توسعه‌یافتگی منفی بوده‌اند. جدول شماره ۹ تعداد استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و منفی را در هر یک از برنامه‌های ۵ ساله توسعه نشان می‌دهد.

جدول شماره ۹: تعداد استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی مثبت و منفی در هر یک از برنامه‌های توسعه

برنامه	تعداد استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی مثبت	تعداد استانهای دارای شتاب توسعه‌یافتگی منفی
برنامه اول	۲۲	۲
برنامه دوم	۹	۱۵
برنامه سوم	۱۱	۱۷

با توجه به جدول شماره ۹ و همچنین نمودارهای ۱، ۲ و ۳ مشخص می‌شود که در هر یک از برنامه‌های ۵ ساله اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، همه استانهای کشور از شتاب توسعه‌یافتگی مثبتی برخوردار نبوده‌اند. به عبارت دیگر درجه توسعه‌یافتگی تعدادی از استانها نسبت به ابتدای برنامه بهتر شده است و برعکس درجه توسعه‌یافتگی تعداد دیگری نیز نسبت به سال شروع برنامه بدتر شده است.

## ۶- نتیجه‌گیری

توسعه امری پویا، فراگیر و چند بعدی است و همین ویژگی موجب می‌شود تا حکومتها با استفاده از ابزار برنامه‌ریزی، روند توسعه در کشور را بصورت کنترل شده مدیریت نمایند.

برنامه‌ریزی‌های توسعه می‌توانند در راستای به تعادل در آوردن کشور در همه ابعاد موثر واقع شوند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با یک دهه تأخیر ناشی از جنگ تحمیلی و با هدف از بین بردن فقر، محرومیت و عدم تعادل در کشور و همچنین غلبه بر نابسامانی‌های بوجود آمده پس از جنگ و بازسازی کشور اولین برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ به مورد اجرا گذاشته شد و به دنبال آن دو برنامه توسعه نیز تدوین و اجرا شدند و برنامه چهارم نیز در حال اجرا می‌باشد. با وجود اجرای سه برنامه توسعه هنوز شاهد فقر، محرومیت و عدم تعادل در کشور می‌باشیم با توجه به این مسئله مقاله حاضر اقدام به بررسی شتاب توسعه‌یافتگی استانهای کشور در هر یک از برنامه‌های توسعه با استفاده از ۱۷ شاخص در قالب دو گروه اقتصادی- زیربنایی و اجتماعی- فرهنگی با استفاده از مدل تاکسونومی عددی نمود. نتایج حاصله نشان داد که در هر سه برنامه اجرا شده همه استانهای کشور از شتاب توسعه مثبت برخوردار نبوده‌اند، به طوری که درجه توسعه‌یافتگی ۲ استان در برنامه اول، ۱۵ استان در برنامه دوم و ۱۷ استان در برنامه سوم در سال پایان برنامه نسبت به سال آغاز آن به عدد یک که بر اساس مدل تاکسونومی عددی نشان دهنده بدتر شدن وضعیت توسعه‌یافتگی است نزدیکتر شده است.

## ۷- قدرتدانی

نگارندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از دانشگاه تربیت مدرس بخاطر حمایت مالی از این پژوهش تشکر و قدرتدانی بعمل آورند.

## منابع و مآخذ

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۸)؛ جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، چاپ پنجم، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲. البوت، جنیفر.آ. (۱۳۷۸)؛ مقدمه ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه عبدالرضا رکن الدین افتخاری و حسین رحیمی، انتشارات موسسه توسعه روستایی، تهران.
۳. بانک مرکزی (۱۳۷۸)؛ گزارش اوضاع اقتصادی-اجتماعی استانهای کشور.
۴. بانک مرکزی (۱۳۸۳)؛ گزارش اوضاع اقتصادی-اجتماعی استانهای کشور.
۵. براهمن، جان (۱۳۸۱) توسعه مردم گرا، ترجمه عبدالرضا رکن الدین افتخاری و مرتضی توکلی، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.
۶. بهرامزاده، حسینعلی (۱۳۸۳)؛ توسعه پایدار، مجله تدبیر، شماره ۱۳۴.
۷. تودارو، مایکل (۱۳۷۰)؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول: مجموعه برنامه و توسعه، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
۸. پردازی مقدم، سعیده و همکاران (۱۳۸۴)؛ روشهای تحلیل چند متغیره و کاربرد آن در سطح بندی استانهای کشور، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
۹. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۷۸)؛ گزارش فرهنگی کشور.
۱۰. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۸۰)؛ گزارش فرهنگی کشور.
۱۱. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۸۱)؛ گزارش فرهنگی کشور.
۱۲. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، تهران.
۱۳. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵) اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، مشهد.
۱۴. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸)، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۷۲)، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، تهران.
۱۵. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۵)، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۵-۷۳)، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، تهران.
۱۶. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۹)؛ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی-اجتماعی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۱۷. سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۷۸)؛ گزیده آمار و شاخص های مقایسه ای استانهای کشور.
۱۸. شکویی، حسین (۱۳۸۲)؛ فلسفه های محیطی و مکتب های جغرافیایی، جلد دوم، گیتاشناسی، تهران.
۱۹. صرافی، مظفر (۱۳۷۷) مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۲۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹)؛ اداره کل قوانین و مقررات کشور.
۲۱. کلاتری، خلیل (۱۳۷۷)؛ شناسایی مناطق عقب مانده در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸ بهار ۱۳۷۷.
۲۲. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت، تهران.
۲۳. مهدیزاده، جواد و دیگران (۱۳۸۵)؛ برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، چاپ دوم، تهران، انتشارات شرکت طرح و نشر پیام سیما.

۲۴. مرکز آمار ایران (۱۳۸۳)؛ ایران در آیینة آمار، شماره ۲۴.
۲۵. مرکز آمار ایران (۱۳۸۳)؛ خلاصه آمارهای پایه‌ای استانها.
۲۶. مرکز آمار ایران (۱۳۸۳)؛ آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار.
۲۷. مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)؛ آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار.
۲۸. مرکز آمار ایران (۱۳۸۳)؛ سالنامه آماری کشور.
۲۹. مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)؛ سالنامه آماری کشور.
۳۰. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)؛ سالنامه آماری کشور.
۳۱. مرکز آمار ایران (۱۳۷۲)؛ سالنامه آماری کشور.
۳۲. مرکز آمار ایران (۱۳۶۸)؛ سالنامه آماری کشور.
۳۳. مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)؛ سالنامه آماری کشور.
۳۴. میرمحمدی، سیدمحمد (۱۳۸۶)؛ آمایش سرزمین و ملاحظات امنیت اقتصادی، انتشارات موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، تهران.
۳۵. نظرپور، محمدنقی (۱۳۷۸)؛ ارزشها و توسعه، انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۳۶. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)؛ سامان سیاسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم، تهران.
۳۷. وزارت نیرو (۱۳۶۹)؛ آمار تفصیلی صنعت برق ایران، انتشارات دفتر برنامه‌ریزی برق- گروه آمار برق، چاپخانه وزارت نیرو.
۳۸. وزارت نیرو (۱۳۷۳)؛ ارزیابی عملکرد شرکتهای آب و فاضلاب (ابجد ۷۳)، شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور.
۳۹. وزارت نیرو (۱۳۸۰)؛ ترازنامه انرژی.
۴۰. وزارت نیرو (۱۳۸۳)؛ ترازنامه انرژی.
41. Graaf & et al. (1999), Regional Opportunities for Sustainable Development, Kluwer Academic Publishers, Dordrecht, Netherlands.
42. Hall, Peter; Urban and Regional Planning, Routledge, London. 1994.
43. Todaro, Michael, Economic Development, 5th Edition; Longman, London, 1994.